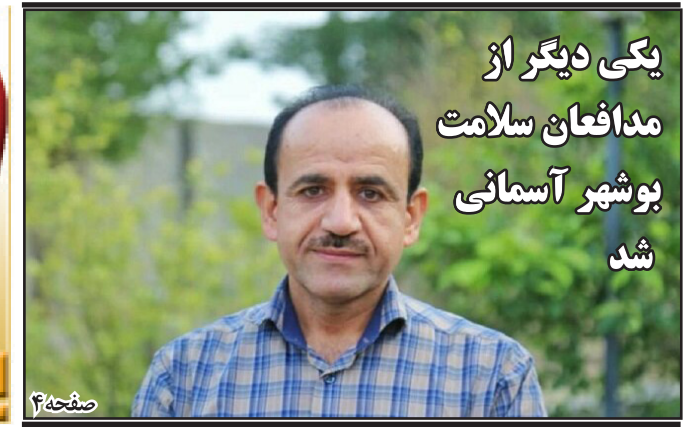
نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و سوم - شماره ۹۳۰ - دوشنبه پنجم آبان ۱۳۹۹ - ۱۰۰۰ تومان





در نابسامانی وضعیت شورا و شهرداری بندر بوشهر؛

زمان را برای بهبود وضعیت نابسامان شهر بوشهر، بیش از این هدر ندهید

صفحه ۲





موفقیت یک بوشهری در نوآوری سلامت

دکتر حسین شریفی به عنوان نوآور، موفق به راهیابی به مرحله نهایی و به عنوان فینالیست از جنوب شرق انگلیس و لندن در جایزه معتبر مراقبت های اجتماعی در بریتانیا برای سال ۲۰۲۱ گردید، نتیجه نهایی این مسابقه در آوریل ۲۰۲۱ اعلام می گردد. این موفقیت را خدمت این نخبه ایرانی (دشتستان استان بوشهر) تبریک عرض می کنیم.

داستان یک شهر

تولد یک نویسنده درسبخ زارهای جبری



صفحه ۴

۲



کوکا نیو این جا که این جا خبری نیست که نیست

قاسم محمدی

۳



جای هیچ نگرانی نیست، همه چی آرومه!

وضعیت نگران کننده خودکشی در پایتخت انرژی ایران

ابراهیم دانش

٤



ترامپ دروغ می گوید؛ ما ثروتمند نبودیم!

دکتر سجاد بهزادی

٤



ای داد و بیداد که یاران همه رفتند !

رضا سیاهوشی

اعتراض جمعی از نشریات محلی استان بوشهر:

وزارت ارشاد قصد تعطیلی مطبوعات مستقل محلی را دارد



معاونت محترم مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با سلام و احترام، به استحضار می رساند که آن معاونت محترم به تازگی دستورالعملی را به ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استانها از جمله استان بوشهر ارسال کرده است که مطابق آن، تخصیص آگهی به نشریات، مشروط به نظم انتشار هشتاد درصدی آنها شده است. صدور چنین دستورالعملی آن هم در شرایط فعلی که گرانی سرسام آور کاغذ، زینک و هزینه های چاپ، نفس مطبوعات را به شماره انداخته است و در شرایطی که غلبه فضای مجازی تقریبا امکان تک فروشی نشریات کاغذی را در سراسر کشور به صفر رسانده است، شلیک تیر آخر به پیکر نیمه جان مطبوعات به خصوص مطبوعات محلی است. انتظار می رفت که اگر آن معاونت محترم در این شرایط اسفناک قادر نیست باری از دوش مطبوعات بردارد، با چنین اقداماتی ضربه ای کاری به پیکر آنها وارد نسازد. امروزه دیگر کمتر کسی باور دارد که نشریات حتی نشریات سراسری و به خصوص روزنامه ها قادر به تأمین هزینه های خود از طریق تک فروشی باشند و تقریباً همگان مطلعیم که ادامه حیات نشریات همگی متکی به آگهی به خصوص آگهی های دولتی است. در این میان بسیار واضح است که روزنامه ها بیشترین سود را از دستورالعمل جدید آن وزارتخانه خواهند برد به خصوص روزنامه های سراسری که اغلب آنها دارای چاپخانه ی مستقل بوده و از طریق انتشار با کمترین تیراژ می توانند همه آگهی های دولتی را تصاحب کنند.

از همین منظر و مطابق با نشانه های موجود در دستورالعمل به نظر می رسد که این دستورالعمل را نه معاونت مطبوعاتی بلکه مدیران برخی روزنامه ها نوشته اند زیرا بندبند این دستورالعمل طوری تنظیم شده است که همه چیز سرانجام به سود آنها ختم شود. این موضوع به ویژه در تبصره های ۱ و ۲ بند ۷ از ماده ۳ این دستورالعمل آشکار است. مطابق تبصره ی ۱ نشریات غیر روزنامه (هفته نامه، دو هفته نامه و...) حتی اگر هشتاد درصد نظم انتشار نیز داشته باشند، در صورتی مشمول آگهی دولتی می شوند که دستگاه سفارش دهنده آگهی درخواست تخصیص آگهی به آنها بدهند و این تقریبا یعنی موکول کردن به امر محال! در تبصره ۲ این بند نیز تخصیص آگهی به نشریاتی که از دی ماه سال ۱۳۹۶ آگهی گرفته اند و نیز نشریاتی که از مهرماه ۱۳۹۷ به روزنامه تغییر وضعیت داده اند، بعد از گذشت سه سال، با نظم انتشار مورد قبول، تازه می توانند درخواست آگهی دهند و این یعنی تا اطلاع ثانوی هیچ تازه واردی به سفره گسترده برای مدیران صاحب نفوذ روزنامه ها نزدیک نشود. صدور چنین دستورالعمل تبعیض آمیزی نه تنها با روح عدالت ناسازگار است بلکه اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در تقویت رسانه های محلی به عنوان حاملان فرهنگ بومی به شدت زیر سؤال می برد. زیرا با شرایط ضیق حاکم بر دستورالعمل تنها برخی روزنامه های محلی و اغلب روزنامه های سراسری که بسیاری از آنها در حد دو انگشت دست نیز در مراکز استانها توزیع نمی شوند، می توانند آگهی های دولتی را تصاحب کنند.

معاونت محترم مطبوعاتی انتظار می رفت کارشناسان محترم آن معاونت به جای تنظیم چنین دستورالعملهای تهدید کننده حیات بسیاری از مطبوعات، علت های واقعی شیوع بی نظمی در انتشار نشریات را بررسی و نسبت به رفع آنها اقدام کنند.

در استان بوشهر از میان ۱۷ هفته نامه در شرایط فعلی ۷۰ درصد آنها با نظم انتشار زیر هشتاد درصد منتشر می شوند. اجرایی شدن دستورالعمل جدید و منوط کردن تخصیص آگهی به مطبوعات (حتی مطبوعات هشتاد درصدی) به درخواست دستگاه سفارش دهنده آگهی به معنی تعطیلی مطبوعاتی است که بسیاری از آنها سابقه بیش از بیست سال در انتشار دارند. برخی از این نشریات تا اواسط حاکمیت دولت قبلی، با نظم انتشار صددرصدی منتشر می شدند. برخوردهای حذفی مدیران دولت قبل با تعدادی از آنها به صرف داشتن دیدگاه مستقل یا خلاف دیدگاه دولت قبلی و دستور به قطع آگهی، آنها را دچار بی نظمی در انتشار کرد.

در دولت یازدهم و دوازدهم نیز نه تنها این زخمها التیام نیافت بلکه با سیاستهایی غیر واقع بینانه و بعضا ناعادلانه که شکل تشدید یافته آن در دستورالعمل جدید بروز یافته است، این بی نظمی در انتشار تداوم و شدت یافته است. تعطیلی این مطبوعات به معنای بیکاری تعدادی از خبرنگاران و کارکنانی است که سالها است از طریق همین مطبوعات معیشت شان را سامان می دهند. بیشتر این نشریات، در وضعیت کنونی نیز چندان از کمک های وزارت متبوع از جمله تخصیص کاغذ و یارانه و آگهی برخوردار نبوده اند اما دستورالعمل جدید به منزله ی شلیک تیر خلاص به آنها خواهد بود.

لذا امضا کنندگان این نامه، جمعی از صاحب امتیازان و مدیران مسئول نشریات استان بوشهر، اعتراض شدید خود را نسبت به دستورالعمل جدید اجرایی توزیع آگهی اعلام داشته و خواستار اصلاح بند ۴ ماده ۳ و نیز تبصره ۱ بند ۷ همین ماده هستند. پیشاپیش از بذل توجه حضرت عالی به این درخواست سپاسگزاریم.

(جمعی از مطبوعات مستقل استان بوشهر)

نسیم جنوب
گزارش ۲
شماره ۹۳۰ دو شنبه ۵ آبان ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

استاندار بوشهر:

تقویت فعالیت بخش خصوصی در حوزه سلامت ضروری است

استاندار بوشهر گفت: تقویت بخش خصوصی در حوزه بهداشت و درمان با هدف کمک به مردم ضروری است.
به گزارش ایرنا، عبدالکریم گراوند در نشست با مدیرکل و معاونان بیمه سلامت استان بوشهر به مناسبت سالروز تاسیس بیمه همگانی و سلامت افزود: افزایش تختهای بیمارستانی در این استان در دولت تدبیر و امید یکی از اتفاقات ارزشمند است که اگر این افزایش‌ها صورت نمی گرفت، مشکلات امروز به ویژه برای مقابله با کرونا خیلی بیشتر می‌شد.
استاندار بوشهر اضافه کرد: بیمارستان شهدای هسته‌ای بوشهر در مراحل پایانی تکمیل است و مراحل ساخت بیمارستان جدید هم طبق برنامه پیش می‌رود، این اقدامات در حالی است که دولت در سخت ترین شرایط مالی و تحریمی قرار دارد.
گراوند گفت: یکی از عمده مشکلات استان بوشهر در بخش بهداشت و درمان، حضور نیافتن فعالان بخش خصوصی در این زمینه است که در همین ارتباط برای تشویق این بخش به مشارکت در این حوزه، اقدامات خوبی در دست اجرا است.

اهدای عضو در استان بوشهر جان ۲۲۰ بیمار نیازمند را نجات داد

مسئول واحد فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: با اهدای اعضای ۷۳ بیمار مرگ مغزی در استان ۲۲۰ بیمار نیازمند به اهدای عضو نجات یافتند.
به گزارش ایرنا، علیرضا باقری در دیدار با فرمانده انتظامی استان بوشهر به رسانه‌ها اعلام کرد: رضایت به موقع خانواده‌هایی که بیمار مرگ مغزی در بیمارستان‌ها دارند نقش به سزایی در نجات جان هم‌وطنان نیازمند به اهدای عضو دارد.
وی ادامه داد: در آموزه‌های دینی همواره بر نیکوکاری و نوع‌دوستی و مورد آزمایش الهی قرار گرفتن کسانی که ایمان آورده‌اند تأکید شده است و رویارویی با مرگ مغزی نیز مثالی عینی برای این موضوع است.
فرمانده انتظامی استان بوشهر نیز گفت: نیروی انتظامی در کنار دانشگاه علوم پزشکی نقش بسزایی در تأمین سلامت مردم دارد و با کاهش آمار تصادف‌ها و ضرب و جرح کمک شایانی به کاهش بار حوزه سلامت استان می‌شود.
سردار خلیل واعظی افزود: تیم پیوند اعضا دانشگاه علوم پزشکی بوشهر توانسته است با ایثار ماندگار خانواده‌های اهداکننده عضو، در نجات جان انسان‌های نیازمند به عضو کمک کند.

در نابسامانی وضعیت شورا و شهرداری بندر بوشهر؛

زمان را برای بهبود وضعیت نابسامان شهر بوشهر، بیش از این هدر ندهید

بوشهر- ایرنا- سکان هدایت شهرداری بوشهر پس از تغییرهای پی درپی و آمد و رفت‌های شهرداران و سرپرستان متعدد اکنون به مردی از استان یزد دیار بادگیرها رسیده است تا ساحل نشینان جبران آرزوهای دیرینه بر باد رفته خود را در مدیریت شهری این بندر از شهردار جدید انتظار داشته باشند.
بوشهر شهری گرم و مرطوب خفته بر دامان دریایی به نام خلیج فارس با مردمانی نجیب و تمدنی پنج هزار ساله است، کهن شهری که با وجود ظرفیت‌های بی شمار توسعه‌ای و سواحل زیبا و طولانی گردشگری با ۱۱۳ سال سابقه تاسیس شهرداری در آن چند سال اخیر را در بدترین شرایط مدیریت شهری سپری کرد.



با گذری در این شهر و مشاهده انبوه پروژه‌های ناتمام رها شده دست و پاگیر برای شهروندان می‌توان به حال ناخوش این بندر پی برد، هر چند بوشهر برای مهمانان موقتش پل عبوری برای رسیدن به پله‌های ترقی و پیشرفت شده‌است ولی کاستی‌ها و مشکلات کهنه حل نشده‌اش ساکنان بومی این دیار را سخت آزار می‌دهد.
شهردارانی آمدند و رفتند، وعده‌های زیادی مطرح شد اما انتظارهایی که هنوز هست و اعتبارهایی که نیست، تقاطع غیر همسطح، فانوس دریایی، چرخ و فلک و کوچه‌های خاکی پروژه‌هایی که معلق بین آسمان و زمین است و تحقق آنها برای شهروندان بوشهری آرزو شده‌است.
از آغاز فعالیت شورای پنجم شهر بوشهر تا به امروز سه شهردار و ۲ سرپرست سکان هدایت شهردرای بوشهر را عهده دار شدند و هر کدام در مدت مسئولیت خود در مدیریت شهری کلنگ آغاز پروژه‌هایی را زمین زدند اما عمر مسئولیت آنها کوتاه بود و کفاف رساندن طرح‌ها حتی تا نیمه را هم نداد، همین نبود ثبات مدیریتی کافی بود تا پروژه‌های ناتمام زیادی در سطح شهر بلاتکلیف رها شود.
این اواخر همزمان با بازداشت ۶ نفر از شورای ۹ نفره شهر و ۱۳ نفر از کارکنان شهرداری بوشهر بدلیل برخی مسائل مالی حتی کار به جایی رسید که روند جمع‌آوری پسماندهای شهری نیز به دلیل پرداخت نشدن مطالبات پیمانکار برای روزهایی مختل شد.
در حالی که مردم بوشهر از اعضای این دوره شورا و شهرداران منتخب آنها انتظار اجرای پروژه‌های کلانی همچون شهربازی، پارکینگ‌های طبقاتی و کوچه‌های آسفالت را در مرکز استان خود داشتند.
با این چنین شرایطی آن هم در روزهایی که به گواه مسئولان شهرداری پرداخت حقوق این مجموعه نیز با مشکل روبرو شده و شرایط خاص اقتصادی هزینه تمام شده پروژه‌های شهری را چند برابر کرده‌است، بازگرداندن بارقه‌های روشن امید در دل مردمان شهر اندکی سخت است ولی غیر ممکن نیست.
با همه این اوصاف شهردار دیار قنات، قنوت و قناعت در این روزهای ناخوش شاید بتواند با قناعت در اعتبارات ناچیز با برآورده کردن خواسته‌های شهروندان بوشهری مرهمی بر زخم‌های کهنه آنها باشد و سایه یاس را از سر مدیریت شهری این شبه جزیره بردارد.
با دل بستن به روزهای خوب و باور به این که شهر را شهروندان می‌سازند باید همه برای داشتن شهری زیبا و پویا دست به کار شویم و در مجال کم باقی مانده و وضعیت نابسامان شهری دنبال مقصر نباشیم و نیرو و وقت را به بطالت هدر ندهیم.

شهردار جدید بوشهر:

برای این دوره شورا کار نمی‌کنم

شهردار جدید بوشهر گفت: ساماندهی پروژه‌های نیمه‌تمام، مباحث فرهنگی، مسائل مرتبط با پایداری شهر بوشهر، محیط زیست، وصول مطالبات شهرداری از سایر دستگاه‌ها برای پیشبرد هر چه بهتر امور از اولویت‌های کاری‌ام در مدت فعالیت در این مسئولیت است.
حسین صالحیان افزود: در حوزه عمرانی که پروژه‌ها و ترافیک بخشی از آن است شهروندان اطمینان داشته باشند روند اجرای پروژه‌ها در بوشهر سرعت می گیرد.
وی بیان کرد: زمان نیز تا پایان این دوره شورا کوتاه است ولی به عنوان شهردار جدید برای این دوره شورا کار نمی‌کنم و با همکاری تمامی کارکنان شهرداری و همراهی مردم کار را پیش خواهیم برد.
صالحیان اظهار داشت: وصول مطالبات از ادارات و سازمان‌های مختلف از اولویت‌های شهرداری است که در این زمینه انتظار است همکاری و مساعدت لازم با شهرداری صورت گیرد.
وی ادامه داد: باید شرایط مبلمان شهری به صورت اختصاصی برای بوشهر تعریف و تلاش شود تا این شهر رنگ و لعاب مختص خود را داشته باشد.
صالحیان گفت: شهر بوشهر در پهنه کرانه خلیج فارس در همه کشور باید به عنوان الماس بدرخشد که برای تحقق این مهم باید تلاش‌ها چند برابر شود.
وی گفت: شهروندان بوشهری نیز مطمئن باشند که با سلامتی، شفافیت و ارائه خدماتی که برای رفاه مردم است حس امید موجود در آنها تقویت خواهد شد.
شهردار بوشهر در ارتباط با تعطیلی نشست‌های شورای شهر عنوان کرد: امیدواریم شرایطی فراهم شود تا نمایندگان مردم در شورا حضور داشته باشند زیرا حضور اعضای شورا برای شهردار قوت قلب است و زمینه ارتباط راحت تر شهردار با مردم را فراهم می کند.
صالحیان گفت: در موضوع ارتباط با مردم این مهم از طریق بازدید از محله‌ها انجام خواهد شد و مردم نیز باید با رویکرد مطالبه‌گری خواسته‌های خود را مطرح کنند.
وی اظهار کرد: با این روحیه مطالبه‌گری مجموعه مدیریت شهری نیز باید هر آن چیزی که در وجود خود دارد به شهروندان ارائه کند.
شهردار بوشهر ادامه داد: اکنون شرایط اقتصادی شهرداری نیز خاص است که امیدواریم با به دست آمدن انسجام شورا بتوان برای حل مشکلات گام اساسی برداشت.
وی افزود: با توجه به این که مدت باقیمانده تا پایان فعالیت شورا حدود ۱۱ ماه است ولی با هدف جبران کاستی‌ها در این مدت باید به اندازه ۲۲ ماه کار و تلاش صادقانه کرد.
صالحیان اظهار داشت: در بوشهر نیز پنجشنبه‌ها تعطیل است ولی شهرداری تعطیلی ندارد و باید همواره در مسیر ارائه خدمت به مردم گام برداشت.
استاندار بوشهر گفت: اکنون فرصتی برای شهردار جدید بوشهر فراهم شده‌است که باید از این ظرفیت برای خدمت رسانی استفاده و در حدود یک سال زمان باقی مانده تا پایان فعالیت شورا شرایطی ایجاد کند تا شهروندان عملکرد او را به طور ملموس احساس کنند.
وی افزود: شهرداری بوشهر اگر مقداری پای کار باشد و همه کمک کنند استعداد دارد تا به عنوان گل سرسبد جنوب کشور بدرخشد زیرا این ظرفیت با وجود ساحل منحصر به فرد در شهر بوشهر وجود دارد.

استاندار بوشهر:

انتخاب شهردار جدید بوشهر آغازی جدید بر روند توسعه و آبادان روزافزون این شهر باشد

گراوند اظهار داشت: ساحل شهر بوشهر ساحلی کم نظیر در منطقه جنوبی است که باید از این ظرفیت به خوبی برای حوزه‌های گردشگری استفاده کرد.
وی افزود: امیدواریم انتخاب شهردار جدید بوشهر آغازی جدید بر روند توسعه و آبادان روزافزون این شهر باشد.
استاندار بوشهر گفت: شهرداران باید همواره برای فرار از روزمرگی تلاش کنند و این را هم بدانند کار در اتاق شیشه‌ای جای هیچ گونه نگرانی برای آن ها نمی گذارد.
وی بیان کرد: استانداری بوشهر نیز از شهرداری مرکز استان به عنوان پیشان شهرداری‌های استان حمایت می کند زیرا با عملکرد موفق شهردار مرکز استان سایر شهرداران این استان نیز می‌توانند از شهردار الگوبرداری لازم را داشته باشند.
گراوند گفت: شهردار جدید بوشهر نیز چنان چه عملکردی جهادی داشته باشد می‌تواند خود را در اذهان شهروندان ماندگار کند.
وی بیان کرد: بخشی از پروژه‌هایی که مقرر بوده تا این زمان بهره‌برداری می‌شد و با تاخیر عجیبی مواجه و مورد نارضایتی شهروندان است باید هر چه سریع‌تر ساماندهی شود که در این مسیر باید همه مجموعه شهرداری همراه و همگام با شهردار جدید باشند.
استاندار بوشهر گفت: مجموعه استانداری نیز چنان چه روند مطلوب و مورد قبول در پروژه‌ها را مشاهده کند با تمام ظرفیت از شهرداری حمایت خواهد کرد.

مجموع جان‌باختگان کرونا در بوشهر به ۶۸۸ نفر رسید

ایسنا/بوشهر - دبیر ستاد مبارزه با کرونا در استان بوشهر گفت: مجموع جان‌باختگان کرونا در استان بوشهر تا ۴ آبان ماه به عدد ۶۸۸ رسیده است.
سعید کشمیری در حال حاضر ۳۰۰ بیمار در بخش‌های کرونایی بیمارستان‌های استان بوشهر بستری هستند، اظهار کرد: در ۲۴ ساعت گذشته ۵۱ بیمار در بخش‌های کرونایی بیمارستان‌های استان بوشهر بستری شده‌اند.
دبیر ستاد مبارزه با کرونا در استان بوشهر با بیان این که هم اکنون ۵۱ مورد در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بستری هستند، افزود: از این تعداد در حال حاضر ۲۷ مورد از آن‌ها با کمک دستگاه تنفس می کنند.
رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر افزود: کل موارد مثبت از ابتدای شیوع ویروس کرونا در استان بوشهر تاکنون ۱۴۹۲۲ نفر بوده است.
دبیر ستاد مبارزه با کرونا در استان بوشهر عنوان کرد: با ثبت موارد فوتی جدید، متأسفانه مجموع جان‌باختگان کرونا در استان بوشهر تا ۴ آبان ماه به عدد ۶۸۸ رسیده است.

نیازهای بوشهر از دیدگاه شهروندان

یک راننده جوان که پس از چند دقیقه تلاش برای پارک کردن موفق به پارک دوبل در خیابان امام خمینی (ره) شهر بوشهر شد، نبود پارکینگ عمومی را مشکل اساسی در این شهر عنوان کرد و افزود: شهردار برای یک بار هم شده به خیابان‌های شلوغ بوشهر برای پارک کردن خودرو بیاید، بدون شک کمتر از ۱۰ دقیقه به کاستی ناشی از نبود پارکینگ عمومی در این شهر پی می‌برد.
محسن دشتی در مصاحبه با ایرنا افزود: پارکینگ مکانیزه‌ای نیز در کنار مسجد جامع بوشهر برای ساماندهی وضعیت پارک خودروها در پایین دست بازار این شهر احداث شد ولی چندین سال است که بهره‌برداری نشده و تبدیل به آرزو شده‌است.
وی اظهار کرد: در شرایط نبود اعتبار که اجرای پروژه‌ها را با مشکل روبرو کرده‌است، شهردار می‌تواند با دعوت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی پروژه‌های مهم چون پارکینگ‌های طبقاتی را به آنها بسپارد.
دیگر شهروند بوشهری نیز که دل پری از آسفالت‌های سینه چاک خیابان‌های شهر دارد، ملتمسانه خواستار لکه گیری آسفالت سطح شهر و پایان دادن به پرونده کوچه‌های خاکی شد.
مهدی افروززاده افزود: این که برخی از سوانح رانندگی سطح شهر به دلیل فرورفتگی و برآمدگی‌ها و چاله‌های آسفالت خیابان‌ها و معابر باشد به هیچ وجه زیبنده مرکز این استان نیست و باید به عنوان یک اولویت مهم در اسرع وقت نسبت به ساماندهی آن اقدام شود.
وی اضافه کرد: اجرای پروژه تقاطع غیر همسطح میدان مطهری نیز سرعتی لاک پشت وار دارد که انتظار است با تدابیر لازم زمینه تسریع احداث آن فراهم شود.
یک شهروند بوشهری گفت: این بندر اکنون در سواحل زیبا و بکر خود پلاژ برای شنای آقایان



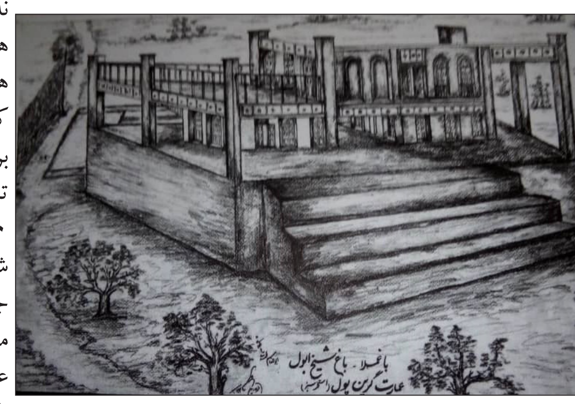
ندارد و با توجه به هزینه کم احداث انتظار داریم برای تابستان آینده این کاستی برطرف شود.
احمد رضایی افزود: محدوده دهکده گردشگری بوشهر با قابلیت توسعه چند برابر و احداث شهربازی مدرن می‌تواند پاسخی به آرزوهای دیرینه کودکان بوشهری باشد که تا پیش از رفتن آنها به سن جوانی بتوانند برای یک بار هم که شده لذت بازی در شهر بازی دیار خود را تجربه کنند.
محمد علوی زاده دیگر شهروند بوشهری اظهار کرد: در بوشهر همواره نبود یک شهر بازی استاندارد و پیشرفته احساس شده ولی هیچ کدام از مدیران شهری به اجرای آن توجهی نداشتند.
وی گفت: سهم بوشهر از وسایل شهربازی تنها چرخ و فلکی بود که آن هم پس از گذشت چهار سال چرخیدنش برای کودکان این شهر در آسمان معلق مانده‌است.
یک دانشجوی کارشناسی عمران گفت: با وجود انبوه پروژه‌های ناتمام شهر بوشهر کاش شهردار جدید تا زمان ساماندهی آنها قید پروژه‌های جدید را بزند زیرا با به ثمر نرسیدن پروژه‌های کنونی اجرای طرح‌های جدید مشکلات موجود را دوچندان می کند.
مهدی پاسالار افزود: تدوین بسته ساماندهی پروژه‌های ناتمام شاید به عنوان برنامه کوتاه مدت اولویتی برای شهر بوشهر باشد زیرا به نظر می‌رسد عمده آنها به طور متوسط در بازه زمانی ۶ ماهه امکان ساماندهی دارند.
رضا دهقان یک هوادار فوتبال نیز اظهار داشت: حال که چند صباحی به آغاز لیگ دسته یک فوتبال کشور مانده کاش مسئولان شهر یکبار هم که شده برای همیشه تکلیف آغاز فعالیت یا انصراف تیم شاهین شهرداری بوشهر از این لیگ را یک سره کنند.

کوکا نیو این جا که این جا خبری نیست که نیست

قاسم محمدی باغ ملایی



هنوز بعد از ۷۰ سال گیج و منگم که چگونه و سی چه پا به این دنیای نکبت بار گذاشتم. والله، بالله، تالله، همون جا، جام خش بید! شهریور ۱۳۳۰ چشمم به جهان باز شد. ۵ ساله بودم تابستان بود و نفس شرجی و گرما نفس مادر گرفته بود و دور کپر یک دست به کمر و یک دست به شکم و اف ناله ای که من سر در نمی آوردم به چه و از دست کی و برای چه می نالد. فقط می دیدم که مثل مار پرنده خورده به خود و هرچه دم دستش می رسید می پیچید و اف و نال می کرد.
روز عرفه بود، همه ی زن های همسایه حتا مردها همه رفته بودند عرفه (امامزاده مهیمن) مادر به خود می پیچید و پنج به موی سر که شلال شده بود روی سک و صورتش!
دایه از آشنایان بود و یک پشت بام با حیاط ما فاصله. آنها بالا خانه داشتند و ما زیر پایشون تو کپر، تابستون را به پاییز می رساندیم.
گویا او می فهمید و من نمی فهمیدم!
صدای ناله ی مادر که بلند شد، از پشت بام خانه اشان پرید روی پشت بام طویله امان و گفت: خوت بگیر که اومدم!
سر چندل طویله گرفت و با یه گشتی پا به زمین رساند و با تشر رو کرد به من و گفت: برو یه دله خاک نرم برام بیاور!
حیران، برو بر نگاهش می کردم و چشمم به دست مادر بود که روی شانه ی دایه افتاده بود بی حال و بیقرار!
دوباره تشری بهم زد و گفت: چیش سفید ، مگه نگفتم برو خاک نرم بیار!
خاک نرم آوردم و کف کپر کپه کرد و مادر خواباند، مادر فریادی نعره مانندی زد و از نعره افتاد. من دقیق دیدم چگونه دنیا آمده بودم وقتی دیدم برادرم جلو چیشای حق نشسته ام به دنیا آمد.
اشک از پهنای صورتم به درون یقه ام می دوید. مادر که رنگ تو صورتش نمانده بود جز رنگ زرد، لبخندی زد و گفت: گریه نکن رودم، سیت کوکا آوردم و من دیدم که کوکام و خودم چه طوری و از کجا به کجا آمدیم و امروز اگر آن روز بود سی کوکام می گفتم: کوکا نیو این جا که این جا خبری نیست که نیست.
اگر آن روز امروز بود به کوکام می گفتم، لاله وحشی من، در دل خاک بمون که بهاری در کار نیست!
دوم شهریور ۱۳۳۰ گویا چشم به جهان گشوده و پدر نام ابوالقاسم را که نام جدشان بود را در سجلد سبز رنگی به ثبت رساند تا آرزو به دل نماند و نام ملا قاسم را زنده نگهدارد. ملا قاسم نیای باغملایی ها فرزند ذکوری داشته بنام ملا محمد روضه خوان با فامیلی محمدی بدون پسوند باغملا. ملا محمد چون سواد و دانش مکتبی داشته به ملا به معنی با سواد و دانا لقب می گیرد چون کسانی که به مکتب می فرستادند جهت یاد گیری، بعد از کسب مدارج مکتبی بنام ملا به احترام یاد می شدند.
ملا محمد چون با اهالی شهر نشین و بزرگان و تجار زمان خود معاشرت و حشر و نشر داشته و گاها روضه هم می خوانده در میان مردم آوازه ای از خوشنامی به همراه داشته.
در امر کشاورزی و دامداری تبحر و احیاگر باغ و بوستان بوده و نخلستانهایی با انواع گونه های نخیل بنام باغ ملا قاسمی و باغ ابول از یادگارهای او در باغملا بود که زبانزد عام و خاص بود. خوش آب و هوایی وتنوع آن در چهار فصل و بستر کار در باغستان و کشتزارهای احیایی باعث هجوم بی کاران و بی پناهان و پناه آوردن به خانواده ملا محمد، علاوه بر شغل مناسب در باغملا باعث ماندگاری آنها و تشکیل خانواده و ادامه زندگی به گونه ای که خود را باغملایی می دانستند.
همزیستی مسالمت آمیز اهالی سبب شده بود که متمولین و بزرگان بوشهری جهت همزیستی با اهالی باغملا با احداث عمارت هایی جهت زیست خود و



خانواده اقدام کنند. پسوند باغملایی را بندر نشینان و متمولینی که با ملا محمد مراوده داشتند و برای تفریح و اعیاد به باغ و باغستان ملا محمد می آمدند داده شد. وقتی کسی از کسان او که در دوستی و همنشینی با او داشتند قصد تفریح یا دیدن او داشتند، در مقابل مخاطبی که از او پرسش می شد، کجا می روی؟
در پاسخ مخاطب خود می گفت: باغ ملا، همین باغ ملا، باغملا، شد پسوندی ماندگار در پشت بند محمدی تا ما را به نام محمدی باغملایی بشناسند. هرچند باغ از ما گرفتند و ملایش مانده.
کارخانه یخ سازی حاج عبدالله وزیری، کارخانه ریسندگی و بافندگی به نام کارخانه نو، عمارت حاج رییس با دو هزار متر عرصه و اعیان، عمارت گرین پل، عمارت کبگانی، عمارت معروفی، عمارت بلادی، عمارت درویش منش، از جمله برجستگی های باغملا بود. زار صفر سلمانی کدخدای باغملا بود. کوتاه قد و چغور و تند خو و ختنه هم می کرد و همین ختنه کردن های او باعث نفرت ما بچه های خردسال از او شده بود.
جوون چوبی خون آلود و قیچی و پنبه و الکل و مکروکروم ابزاری بود که در کیفی چرمی قهوه ای چرکینی از یادگار به جا مانده در ذهن کودکی من است. کدخدا منقلی بود و حشر و نشر بابزرگان بندر داشت. همین منقل و منقلی بودنش باعث شد دار و ندارش را به پای منقل دود کند و بدهکار و همین شد. بلا و آفت جانش تا سحرگاه بدون هیچ نشان و ردی از خود، خود را به چاهی اندازد که ۳۰ متر عمق داشت. وقتی جسد خون آلودش بر دوش اهالی برای تدفین می بردند، خون آب از تابوت بر به دوش کشیده ها آزار دهنده بود. سال ۱۳۵۰ تمام خاطرات تلخ و شیرین من در باغملا شخم زده شده تا من نه کودکی کرده باشم و نه جوانی و نه پیری سرخک وتب و تب خال های مفروش بر تن نحیف کودکی و درد بی درمون عارض از بعد از آن پدر را ناچار کرد تا از روی ناچاری ناچار شود گوسفندی را قربانی و من را در پوست آن جل پوش تا مرض از لارم در رود !
هر از گاهی خردسالی می مرد و زن ها در قبرستان کودکان به خاک می سپردند و من همراه مادر که با زن ها بود همه چی را می دیدیم و کسی نبود که منع کند آن دیدن هایی که تا امروز آزارمان می دهد. درد باریک یا همون سل هم شده بود قوز بالا قوز تا شاهد سرفه های بی امان گنجو تنها فرزند یتیمی با مادری قوزی وآخرین قی کردن خون او باشم و مریم که سفارش کرده بودند از سایه خانه اشان رد نشوید که درد باریک می گیرید و ما بچه ها چه قدر بچه بودیم با بچه گی هایی که نکردیم.

نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۹۳۰ دو شنبه ۵ آبان ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

«مومو»؛ چالش دنیای مدرن

گزارش از «حیدر کاشف»، خبرنگار ایسنا بوشهر

پیر و جوان نمی شناسد. خیلی از بزرگ‌ترها هم از وحشتی گفته اند که «مومو» به جانشان انداخته و خواب و خوراکشان را گرفته است. در مقابل بسیاری هم آن را در حد شایعات دنیای مجازی می‌دانند و به تکذیبیه‌ی رئیس پلیس اهواز در ماجرای خودکشی پسربچه‌ای که گفته می‌شد به تحریک مومو جان باخته، استناد می کنند!

«چالش مومو» چند وقتی است که در کشور ایران سر و صدا به راه انداخته و واکنش‌هایی را هم در پی داشته است، از برنامه‌های صبحگاهی تلویزیون بگیرید تا گزارش های تحلیلی و در مواردی هم پرده‌برداری از توطئه های امنیتی!

به گزارش ایسنا، ابعاد ماجرا اما محدود به این تایید و تکذیب‌ها نیست و اصولا زمینه های بروز چنین چالش‌هایی و تاثیرات احتمالی آن اهمیتی فراتر از بود و نبودشان دارد. به عبارتی تاثیرات روانی و اجتماعی آن، مهم‌ترین موضوعی است که در برخورد با این پدیده‌ها به بررسی و تحقیق نیاز دارد.

اینکه «مومو» چیست و داستان به وجود آمدنش چگونه است اهمیت چندانی در مقابل تهدیدات جانی و خطرات روانی آن ندارد. حتی اگر این چالش یک شوخی مجازی بیش نباشد، باز هم تفاوتی در سطح و تبعات عوارض احتمالی آن به وجود نمی‌آورد.

پدید آورندگانی با شخصیت های ضد اجتماعی

روانشناسان کودک «شخصیت‌های ضد اجتماعی» را پدید آورنده این چالش‌ها می دانند. یک روانشناس کودک، معتقد است باور قالب «من می‌توانم قوانین را نقض کنم» ویژگی محوری شخصیت اینگونه افراد است.

«صدیقه خادم» در گفت‌وگو با ایسنا با برشمردن ویژگی‌های شخصیتی آنها همچون سنگدلی نسبت به دیگران، بازیچه قرار دادن افراد برای کسب لذت‌های شخصی، سوءاستفاده، عدم همدردی و همدلی با دیگران، عدم پشیمانی از آسیب زدن، خطرپذیری و انجام رفتارهایی که به خود و جامعه آسیب می‌زند و همین طور ایجاد ترس و وحشت در دیگران می‌داند اظهار می‌دارد: «عدم درک عواقب رفتارهای بد شخص، عدم مسئولیت پذیری، دروغگویی و بهره‌کشی از دیگران، امکان ایجاد چنین چالش‌هایی را در آنها به وجود می‌آورد.»

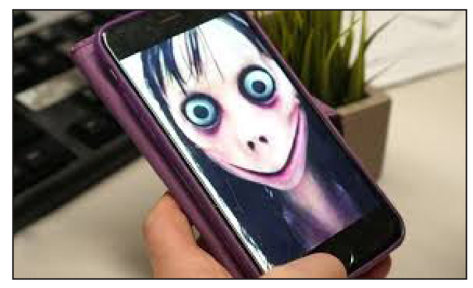
این روانشناس در توضیح مشخصه های رفتاری آنها می گوید: «این افراد در به بازی گرفتن دیگران بسیار استادند و به راحتی می توانند دیگران را برای شرکت در طرح‌هایی که برای به دست آوردن پول و شهرت نزدیک ترین و آسان ترین راه شمرده می‌شوند راغب سازند که معمولاً موجب خسارت‌های مادی و شرمساری اجتماعی می‌شود.»

خادم می‌افزاید: «یکی از یافته‌های قابل ملاحظه در مورد این اشخاص فقدان پشیمانی نسبت به اعمال نادرستی است که انجام داده‌اند، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد که این بیماران فاقد وجدان هستند.»

هیجان ناشی از دیدن تصاویر ترسناک

وی با طرح این مسئله که کودکان یا از طریق دعوت از سوی دوستانشان یا به شکل دریافت پیام یا تماس از شماره های ناشناس به این چالش دعوت می شوند می گوید: «تحریک حس کنجکاوی کودکان و هیجان ناشی از دیدن تصاویر ترسناک ارسالی از سوی مومو باعث می شود کودکان به این چالش جذب شوند.»

به گفته این روانشناس کودک «تصویر ترسناک



مومو برای کودکان هیجان طلب یک عامل محرک بوده و آنها را به دنبال کردن موضوع ترغیب می نماید. این کودکان برای نشان دادن شجاعت خود به دیگران، از کودکان دیگر برای شرکت در این چالش دعوت می کنند تا به نوعی به خود ثابت کنند که از همه شجاع تر هستند.»

صدیقه خادم دو گروه شامل کودکان هیجان طلب و کودکان منفعل و حتی نوجوانان را گروه هدف چالش مومو می داند و خاطرنشان می‌کند: «برای نمونه کودکان منفعل در پی چنین دعوتی ممکن است توانایی "نه" گفتن را نداشته باشند و آنها نیز درگیر این چالش شوند.»

وی ضمن برشمردن ویژگی تیپ‌های شخصیتی در معرض خطر به ایسنا گفت: «کودکانی که اعتماد به نفس پایین دارند، مهارت نه گفتن را بلد نیستند، جراتمندی ندارند و معمولا در برابر موقعیت های مختلف منفعلانه برخورد می کنند یا در نقطه مقابل آن کودکانی که جسور هستند، هیجان طلبی دارند، شخصیت های نمایشی دارند بیشتر در معرض خطر چنین چالشی هستند.»

هیجان خواهی و خطر پذیری زیاد نوجوانان

این روانشناس می‌گوید: «نوجوانان یکی از گروه های هدف این چالش هستند زیرا ویژگی های هیجان خواهی و خطر پذیری زیادی در آنها به دلیل تغییرات دوران بلوغ وجود دارد.»

خادم با تاکید بر لزوم توانمند سازی کودکان در زمینه مهارت هایی مانند نه گفتن و تقویت جرات‌مندی اضافه می‌کند: «آشنایی کودکان با تفاوت های فردی بین انسان‌ها و خودآگاه نمودن آنها در برابر نقاط قوت و ضعف خود باعث می شود نسبت به آنها به پذیرش رسیده و کمتر تحت تاثیر وسوسه ها و تحریکات دوستانشان قرار بگیرند.»

وی درباره اهمیت و نقش والدین در برقراری رابطه با کودکان می‌گوید: «والدین منبع امنیت کودکان هستند، وجود کانال ارتباطی بین والدین و کودکان کلید حل بسیاری از مشکلات دوران کودکی و نوجوانی است. آنها با صحبت با کودکان و بیان تحت حمایت داشتن کودک خود در برابر آسیب های محیطی حس امنیت را به کودک خود منتقل می نمایند.»

انتقال حس امنیت به کودک

این روانشناس کودک ادامه می دهد: «انتقال حس امنیت به کودک اهمیت زیادی دارد و والدین بایست با اشاره به وجود سازمان ها و ارگان‌های حمایت کننده از خانواده ها مانند نیروی انتظامی و پلیس فتا و توضیح عملکرد آنها برای کودک این حس را به او منتقل می کنند که دنیا جای امنی برای زیستن است.»

«چالش مومو» قطعا آخرین تهدید دنیای ما نیست. همین نکته کافیست که والدین را وادار کند «به روز» باشند و مهارتهای کلامی و ارتباطی با فرزندشان را فرا بگیرند. در کنار این موضوع، زندگی در جهان امروز مستلزم یادگیری زیست مجازی برای مراقبت از امنیت روانی و اجتماعی فرزندانمان است و شناخت آسیب های این دنیای دگرگون شده و یافتن راه حل های مقابله با آن یکی از معیارهای سواد اجتماعی محسوب می‌شود.

داستان «مومو» حتی اگر در حد شوخی ها و ژانرهای مجازی هم باشد چیزی از سطح آسیب روانی و ترس هایی که به جان فرزندانمان می اندازد کم نمی کند و عجالتا تا روشن شدن ابعاد ماجرا تنها سلاح ما تقویت مهارت‌های ارتباطی با کودکان و کامل کردن دانش مجازی بزرگترها و همچنین مراقبت از روح و روان و جسم کودک و نوجوان و حتی بزرگ‌ترها است.

جای هیچ نگرانی نیست، همه چی آرومه!

وضعیت نگران کننده خودکشی در پایتخت انرژی ایران

ابراهیم دانش



مهر ماه نود و نه، حوزه جنوبی استان بوشهر؛

– خود کشی دختر خانم هیجده ساله درشهر بنک (کنگان).

علت: عدم رتبه دلخواه در کنکور سراسری دانشگاه

– خودکشی پسر بچه یازده ساله در شهر دیر

علت: (گمانه زنی) نداشتن گوشی همراه برای حضور در کلاسهای مجازی مدرسه، ناشی از فقر شدید خانوادگی.

– خودکشی خانم خانه دار در شهر دوراهک (دیر)

علت: نامعلوم.

– خودکشی نوجوان شانزده ساله شهر کنگان.

علت: فقر شدید مالی ، (پدر در زندان و خود، نان آور خانواده با چندین خواهر و برادر و مادر).

– خود کشی جوانی بیست ساله در شهر جم.

علت: نامعلوم.

بله ، باور کردنی نیست ، اما حقیقت دارد.

درست خواندید، همه اینها فقط در کمتر از یکماه (مهرماه نود ونه) در منطقه سراسر پر انرژی حوزه جنوب استان بوشهر اتفاق افتاده است . منطقه ای که بنا به گفته دولتمردان شاهرگ اقتصادی ایران و نقطه عطفی در دنیا محسوب میشود .

در جوار عسلویه و پارس جنوبی ، با این همه پتانسیل و در آمد ، ما مدت مدیدی هست زنگ خطر بر اثر فقر در زیر پوست منطقه و در کنار گوشمان به صدا در آمده، ولی ،باورش برایمان سخت است.

واقعیتها، مشکلات و فجایع اجتماعی را می بینیم و میشنویم ولی به راحتی و به همین آسانی نه دنبال علت و معلول می گردیم و نه رفع آن بلکه با سرکوب واقعیتها یا فوق تخصص در تکذیبه نوشتن هستیم یا صورت مسئله را پاک ، خود و حوزه استحفاظی مدیریتی خود را برای تنویر افکار عمومی ، تبرئه می کنیم.

قطعا پاسخ کلیشه ای و دهان مزه ای که ای بابا قتل و خودکشی و بزه و جرم در همه جای دنیا و کشور ، وجود داشته و دارد و خواهد داشت و اینها چیز



تازه و حادی نمی باشد که دارید مته به خشخاش میگذارید. در این بین ، نقش متولیان امور امدادی ، آموزشی ، پرورشی ، حمایتی ، مذهبی ، روحانیون ائمه جمعه و جماعات، بهداشتی، خیران و نهادهای مردم نهاد و... کجاست؟ و چه می باشد؟

عجبا و عجبا ما مدعیان حکومت علوی که همواره سخن از عدل و عدالت علی (ع) میزنیم که همواره می فرمود: خدا را ، خدا را ، خدا را مبادا در قلمرو حکومت اسلامی، خبر دار شوید، کسی با شکم گرسنه سر بر بالین نهاده است که اگر چنین باشد وای بر من علی.

و این است حکایت مردم نجیب ، منطقه ای در جوار بزرگترین تاسیسات نفتی و گازی و انرژی کشور که شاید هم دلیل عمده اش خود ما باشیم که دلخوش به این هستیم که به ما بگویند: اهالی منطقه محروم اصلا اتفاقی نیفتاده فقط یک قصه بود و بس همه چی آرومه.

سخن را کوتاه نمایم ، مخاطبان این نوشتار پس بی خیال بروید، بخوابید و امیدوارم قصه حسین کرد شبستری ، برایتان شیرین تعریف کرده باشم و شب رویایی با خوابهای خوش .

پژوهشگران دانشگاه خلیج فارس زخم پوش زیستی اختراع کردند

پژوهشگران دانشگاه خلیج فارس نخستین بار در جهان با استفاده از مواد زیستی نوعی پانسمان (زخم پوش) جدید برای درمان زخم‌های سوختگی اختراع کردند.

به گزارش ایرنا به نقل از روبط عمومی دانشگاه خلیج فارس یکی از پژوهشگرانی که در اختراع این محصول مشارکت داشته است گفت: این محصول « زخم پوش الکتروریسی شده حاوی دکسپانتول آهسته رهش بر پایه آلژینات/ کیتوزان با ساختار هسته–پوسته، برای پوشش زخم سوختگی با استفاده از مواد زیست سازگار است که وجود داروی التیام بخش سوختگی، از مزایای آن به شمار می‌رود.

دکتر شهریار عصفوری افزود: در طراحی این پانسمان، کنترل رهش دارو نیز مدنظر قرار گرفته است. با ترکیبات زیست سازگاری که در تولید این محصول به کار رفته، برای نخستین بار چنین پانسمانی به مرحله تولید در جهان رسیده‌است و نمونه داخلی یا خارجی ندارد.

عصفوری عنوان کرد: این محصول نتیجه فعالیت علمی گروهی از محققان، در سه سال گذشته در«گروه تحقیقاتیِ نانوزیست فناوری» دانشگاه خلیج فارس است.

وی اظهار داشت: دکتر رضا آذین، مریم نجفی دانشجوی دکتری مهندسی شیمی دانشگاه خلیج فارس و ساسان زائری عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از دیگر محققان این طرح بوده‌اند.

"مومو" و وظیفه والدین برای حافظت از فرزندان

فیس‌بوک، یک سرویس شبکه اجتماعی برخط (آنلاین) است که در ۴ فوریه سال ۲۰۰۴ میلادی توسط مارک زاکربرگ ایجاد گردید. یکی از چالش های بوجود آمده در گروه های آن چالشی بود به نام مومو. مومو یک عروسک در افسانه‌های ژاپنی است.

این عروسک یک موجود وحشتناک و پرنده است که طبق افسانه‌ها ژاپنی، گاهی اوقات اقدام به دزدیدن بچه‌ها نیز می‌کرد. تصویر فعلی آن عکس عروسک ژاپنی از مجموعه آثار عروسک‌های نمایشگاه توکیو ژاپن است که قسمت‌هایی از آن بریده شده و تنها تصویر صورت زشت آن، در پروفایل قرار داده شده است. چالش مومو تنها با یک پیام آغاز خواهد شد و فرستنده پیام نمی‌تواند پایانی برای آن در نظر بگیرد. این چالش با ارسال پیام از مومو یا به مومو آغاز می‌شود و پس از آن پیام‌های تهدید آمیز، خشونت بار و وحشتناک به کاربر ارسال می‌گردد.

این بازی ابتدا از آرژانتین آغاز و سپس تا ایالات متحده، آلمان، فرانسه و دیگر کشورها گسترش یافت. با گسترش شبکه های اجتماعی مجازی تلفن همراهی این چالش از فیس بوک به واتساپ که مالک آن نیز مالک فیس بوک است تغییر مکان داد.

این بازی در ایران موجود نمی باشد

در حال حاضر فقط به شکل یک اکانت در پیام رسان واتساپ فعال بوده که به نام مومو و عکس



آن مجسمه از صورت آن (یک دختر بسیار زشت با چشمان از حدقه بیرون زده همراه با یک خنده جوکر مانند) است که به گروه ها و اکانت افراد در واتساپ پیام داده و با رویت پیام توسط مخاطب شروع به ارسال پیام های خشونت بار و وحشتناک به آنان می نماید و آنان را تهدید به اقدامات نامعقولی می کند که اگر انجام ندهد یک تهدید می کند (شبیه بازی نهنگ آبی).

اما نکته قابل توجه این است که؛ این چالش و چالش‌های شبیه آن یک حقه‌اند و اصلاً وجود خارجی ندارند و در دنیای واقعی هیچ اقدامی نمی توانند انجام دهند و پیام های تهدید آمیز آن فیک و تقلبی می باشد.

افرادی که معمولاً دارای مشکلات روحی هستند، به شوخی یا برای آزار کودکان با عکس مومو اقدام به ارسال پیام می کنند و مرکز یا شخص خاصی در پشت آن نیست .

توصیه به والدین :

محدودیت ساعتی برای فرزندان به شرط انجام کارهای شخصی و تکالیفش تعیین نمائید.

همراه آنان در فضای مجازی باشید (نظارت غیر مستقیم)

اطلاعات خود را از فضای مجازی و سواد رسانه ای بالا ببرید

برای آموزش کودکانتان از شبکه شاد (شبکه آموزشی دانش آموزی) استفاده نمائید.

حدالامکان از شبکه های اجتماعی خارجی استفاده ننمائید.

بی جهت به برخی موارد التهاب ندهید و فرزند خود را هم دچار استرس ننمائید .

نکته :

خبر فوت کودک ۱۱ ساله خوزستانی به خاطر چالش مومو که بر سر زبان‌ها افتاد به علت ایست قلبی بوده که ایشان بیماری قلبی داشته و بخاطر استفاده کنترل نشده و بی محابا از فضای سایبر و ایجاد هیجان کاذب موجود در فضای مجازی ایست قلبی و فوت نموده که ربطی به چالش مومو ندارد .

سازمان نظام روانشناسی و مشاوره استان بوشهر

گریه بزرگسالان و سلامت روان

فرزاد کریمی - کارشناس ارشد روانشناسی

انسان دارای هیجان های مانند گریه کردن، خندیدن، خشم، ترس اضطراب، خوشحالی است که برای زندگی لازم و ضروری هستند. انسان در مقابل مسائل درونی و بیرونی به شیوه های مختلف از خود واکنش هیجانی نشان می دهد یکی از پیچیده ترین روش های ابراز هیجان، گریه کردن است. گریه کردن نوعی ابراز احساس و هیجان است که به خاطر برون ریزی عواطف نقش مفیدی در تعادل و روحیه دارد. در نگاه اول گریه کردن صرفا صرفا تداعی کننده دوران کودکی و حوادث و رخدادهای ناراحت کننده مانند سوگ و از دست دادن است. اما سایر افراد در هنگام ناراحتی و شادی از خود واکنش گریه کردن نشان می دهند با این وجود بسیاری از افراد گریه کردن را نشانه ضعف و خواری می دانند. گریه کردن به دلایل مختلفی مانند مشکلات طبیعی از جمله سوگ رخ دهد، علاوه براین گریه در بزرگسالان دلایل دیگری از جمله این که شخص در معرض خطر است و نیاز به حمایت و کمک دارد و از طرفی می تواند دلیل و نشانه ای برای عقب راندن رفتار آسیب رسان دیگران و بازداری رفتارها و رفتارهای پرخاشگرانه باشد که باعث می شود گریه کردن را در دسته های مختلف مانند گریه بیانگر ضعف روانی، بیانگر عواطف طبیعی و بیانگر قوت روانی تقسیم بندی کرد که باعث



کارکردهای مختلف می شود که بر سلامت جسم و روان انسان تأثیر دارد. گریه کردن موجب جلب کمک، حمایت و درگیر کردن عواطف دیگران می شود. همچنین هنگامی که انسان گریه می کند اضطراب و استرس به صورت خودکار کاهش پیدا می کنند و فشارها و تنش های درونی فرد تخلیه می شود که موجب افزایش سلامت روان می شود. همچنین به نظر می رسد گریه کردن موجب تنظیم تنفس و تنظیم ضربان قلب می شود. همچنین گریه کردن در بهبود خلق و خو نقش دارد. از طرفی به نظر می رسد زمانی که دچار استرس می شویم، بدن ما در مقابل این استرس ها واکنش های خاصی از خود نشان می دهد که دارای ترکیبات زائدی هستند که گریه کردن موجب حذف آنها از سیستم بدن می شود. از طرفی خارج شدن و ازبین رفتن استرس در بدن موجب می شود که سیتم ایمنی بدن تقویت شود و در نهایت باید گفت که انسان پس از گریه کردن و دفع مواد انباشته شدن از نظر جسمی و روانی احساس بهتری پیدا می کند و در حقیقت احساس سبک بودن و خالی شدن می کند. در پایان باید گفت چه بخواهیم چه نخواهیم یکی واکنش های طبیعی ما به زندگی گریه کردن است و نشانه سلامتی و تندرستی است.

واقعیتهای اجتماعی دگرگونی‌ناپذیر و واقعیتهای اجتماعی دگرگونی‌پذیر از نگاه روانشناسان

دکتر مصطفی ملکیان



۱- انسان باید واقعیت تفاوتهای خود با دیگران را بپذیرد، والاّ اولین اثر عدم پذیرش این واقعیت این است که همیشه در مقام نظر خود را در حال مقایسهٔ با دیگران و در مقام عمل در حال مسابقهٔ با دیگران می‌بیند و این زندگی او را تلخ می کند.

۲- باید پذیرفت که نمی‌توان چنان زندگی کرد که همهٔ انسانها از طرز زندگی ما خوشنود شوند، این کار، به قول شاعر، حلقهٔ اقبال ناممکن جنبانیدن است. اگر انسان به دنبال بدآیند و خوشایند دیگران باشد فقط زندگی خود را نابود کرده است و نهایتاً هم به مقصود نمی‌رسد. کسانی که به این قاعده التزام دارند، به تعبیر بودا، مثل کرگدن تنها سفر می‌کنند و نوعی تکروی دارند. نباید این تکروی را به عجب تعبیر کرد، باید این را هم لحاظ کرد که وقتی انسان تماماً به دنبال این است که خود را به عضویت یک مجموعه‌ای درآورد و هر وقت از او می‌خواهند خود را معرفی کند با عضویتهایش خود را معرفی می کند و هیچ وقت ویژگیهای فردی‌اش را نمی‌گوید به دنبال همرنگی با جماعت است و خود را نفی می کند. کسی که به دنبال همرنگی با اجتماع است ارزش داوریهای دیگران برایش اهمیت می‌یابد و چون می‌خواهد ارزش داوریهای منفی دیگران متوجه او نشود نهایتاً خود را فراموش خواهد کرد.

انسانهایی که سلامت روانی دارند به ارزش داوریهای دیگران توجهی نمی کنند. البته روانشناسانی، مثل پرز، هستند که در این جهت افراط می کنند و نوعی زندگی ملامتی را توصیه می کَنند و مثلاً در جایی که خوردن مشروب را قبیح می‌دانند طوری آب می‌خورند که وانمود کنند مشروب است. این حالت افراطی درست نیست، چون همین حالت هم در بند ارزش داوریهای دیگران است. انسان وقتی راه زندگی درست خود را بیابد (که یک مؤلفه‌اش اخلاقی بودن است) دیگر اررزش داوریهای دیگران مهم نخواهد بود.

البته ارزش داوریهای دیگران به لحاظ آثار و نتایج عملی‌ای که بر آنها مترتب می‌شود مراحلی دارند و مثلاً اگر کار به جایی کشید که جان انسان در خطر افتاد انسان باید، با رجوع به عقل و اخلاق خود، محاسبه کند که آیا آن ارزشی که برای آن می‌خواهند او را بکشند مهمتر است یا ارزش حفظ جان؛ و اگر نتیجه این بود که حفظ جان مهمتر است باید پاسداری از جان کند.

بنابراین، به طور کلی ارزش داوریهای دیگران تا جایی بی‌اهمیت‌اند که آن ارزشی که انسان برای آن به رأی دیگران بی‌توجه است مهمتر از آن چیزی باشد که ارزش داوریهای دیگران را به خاطر آن به خطر می‌اندازد. البته مردم در اینجا متفاوت‌اند، کسانی هستند مثل سقراط که ارزشی که در پی پاسداری‌اش هستند مهمتر از جانشان است. به سقراط هم پیشنهاد جریمهٔ مالی شد و هم پیشنهاد فرار، اما نپذیرفت، چون می گفت جرمی که بدان محکوم شده‌ام این است که افکار جوانان را فاسد می کنم، پس چنین کسی نباید با پول آزاد شود، زیرا چگونه ممکن است که با پرداخت پول دوباره بتوانم بروم و افکار دیگران را فاسد کنم؛ چقدر ظریف‌اندیشی هست در این سخنان! یا دربارهٔ فرار هم می گفت چگونه است که اگر به موجب قانون من صاحب حیثیت و ثروت و غیره می‌شدم قانون را می‌پذیرفتم، اما به محض این که به موجب قانون امور منفی نصیبم شود آن را نپذیرم؟

بنابراین، وقتی انسان هر نوع که زندگی کند بالاخره یکی را خشنود می کند و یکی را ناخشنود، پس باید طوری زیست که خود دوست می‌دارد.

تلفن های هفته نامه نسیم جنوب

۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰

۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



داستان یک شهر

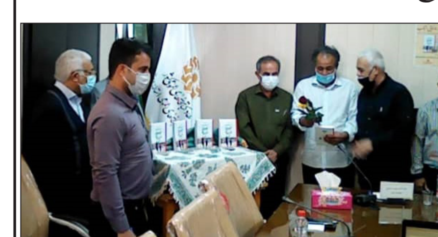
تولد یک نویسنده درسبخ زارهای جبری

به گزارش خبرنگارهفته نامه نسیم جنوب، آیین رونمایی از کتاب "از سبخ زارهای جبری تا خراسان" نوشته محمد رضا دباش با حضور برخی از چهرهای فرهنگی استان و به صورت زنده و از طریق اسکای روم در فضای مجازی و با حضور بیش از دویست نفر از دوستداران کتاب از سراسر کشور در کتابخانه مصلحیان برگزارگردید.

در ابتدا دکتر هاشمی ضمن خوش آمدگویی به حاضرین و مخاطبین نشست اتفاقاتی ازاین دست را برای رونق فرهنگ کتاب مفید دانست وخواستار برگزاری چنین نشست هایی با حضور چهرهای فاخر فرهنگی شد.

حسینی مجری برنامه نیز مطالبی در خصوص این کتاب بیان نمود. در ادامه اسماعیل منصورنژاد که نقش مهمی درشکل گیری کتاب داشت در سخنانی این کتاب را میراث آقای دباش برای نسل بعد دانست.

وی این کتاب را علاوه برخاطرات شخصی و شرح و توصیف بوشهر دهه ۳۰ خورشیدی، حاوی



اطلاعات جالبی ازشهرهای بوشهر، شیراز، اصفهان ، تهران و قم دانست که ازچگونگی تعاملات رفتاری مردم باهم دیگرگرفته تا وضع اقتصادی، جاده ها، ماشین ها، مغازه ها، فروشنده ها، بازار و ... را بیان می کند.

وی ویژگی دیگر این کتاب را استفاده از واژگان و گویش محلی دانست و گفت: امیدوارم این کتاب گام کوچکی برای پاسداشت گویش بوشهری باشد.

درادامه منصور مرشدی از دباش علت نگارش این کتاب را پرسید که ایشان انتقال ارزش ها و خصلت های نیک و تعاملات انسانی مردم ساده زیست بوشهر را به نسل های آینده علت نوشتن این کتاب بیان کرد.

در ادامه دکتر نبی پور، غلامرضا حاجی نژاد و رستمی مطالبی رابیان کردند. در پایان این نشست که به مدت یک ساعت و نیم برگزار شد طی مراسمی از کتاب رونمایی شد.



جعفر حمیدی

دل بیدار

غزل حسن تو از هر در و دیوار گذشت
قطعه ی یاد تو از کوچه و بازار گذشت
مثنوی های وجودت همه آفاق گرفت
در دوبیتی نگاهت گل دیدار، گذشت
شب، سفرنامه ی ابیات غرورت بنوشت
حرف حرف سخنت از دل بیدار، گذشت
عارفی اطلس پرهیز به تن داشت به صبح
شمع شد همسفرت از شب گفتار گذشت
صد رباعی زغرور تو به رقص آمده اند
قصه و رمز و حکایت زشب تار گذشت
معنویات سفر با دل غمگین گفتم
بیت بیت سفرت از دل غمدار گذشت
شبنم قافیه چون ریخت به پهنای وجود
خوش خرامی تو از گلشن و گلزار گذشت
آفتاب از چه جهت سوخت به کاشانه ی ناز
کاین همه آتش لبخند، زاسرار گذشت

سایه ی سبز

به سایه سایه دلم بشکفد به سایه ی سبز
بلند مایه بتازم به ناز مایه ی سبز
غبار، لانه نسازد اگر به خاطره ام،
بهار سایه فشاند به پایه پایه ی سبز
نمی، اگر نتراود زباغ، باکی نیست
که ابر خیمه گشاید به لایه لایه ی سبز
سرای آینه ها، شب نشین خاطره هاست
دوباره لاله بروید، به آیه آیه ی سبز
هزار کودک نوباوه در عبور زمان
گذر کنند زدستان گرم دایه ی سبز
نه آفتاب خبر می دهد که باران است
نه ابر می گذرد از نگاه سایه ی سبز

ترامپ دروغ می گوید؛ ما ثروتمند نبودیم!

دکتر سجاد بهزادی



رئیس‌جمهور آمریکا در مبارزات تبلیغاتی خود یک جمله ثابت در مورد ایران دارد. " اوباما ۱۵۰ میلیارد دلار به علاوه ۱.۸ میلیارد دلار پول نقد در اختیار ایران قرار داده بود.کشور بسیار ثروتمندی بودند و حالا آنها کشور بسیار فقیری هستند." به باور من ترامپ دروغ می گوید. اگر او راست می گوید پس چرا در آن سالهایی که کشور ثروتمند و پر از دلارهای نفتی بود؛ باز هم مانند امروز بسیاری از مشکلات سرجای خود بودند.

آن چه دربودجه سال جاری، به عنوان منبع اصلی درآمد دولت برای اداره کشور تعیین شده است در برابر ۱۵۰ میلیارد دلار رقم ناچیزی است. پس چرا سال از نیمه نگذشته بود که دولت در هزینه کرد و درآمد خود درمانده شد. پس آن ۱۵۰ میلیارد دلار بی زبان که ترامپ می گوید کجا رفته است؟ مگر در این مملکت چه قدر باید بی برنامگی، دزدی و فساد بوده باشد که اکنون بخشی از آن ۱۵۰ میلیارد دلار برای اداره کشور در دست نباشد؟ این پرسش هر شهروندی را از وضعیت کشورش آن قدر نگران می کند که در یک خود فریبی محض و با هدف تسکین بخشیدن به دردها و آلام ها، ناچار باشد به خود القاء کند ترامپ دروغ می گوید.

اگر ۱۵۰ میلیارد دلار ادعای ترامپ راست بود وما کشور ثروتمندی بودیم؛ چرا چرخ اقتصاد کشور اندکی ترمیم نشد که در این چند ساله دوران پسا اوباما اینقدر وابسته به شرق و غرب نباشیم و زندگی پر از بیم و اضطراب نباشد.

ترامپ دروغ می گوید؛ ما ثروتمند نبودیم. باور کردنی نیست همین چهار سال پیش ۱۵۰ میلیارد دلار پول داشتیم و اکنون برای اداره کشور محتاج نان شب و یک قلم داروی انسولین باشیم. اگر ما کشور ثروتمندی بودیم امروز آن قدر بخش درمان کشور درمانده نبود که برای بیماران کرونایی اش تختی نباشد و همه در صف مرگ باشیم؛ اگر آن میلیارد میلیارد دلار ادعایی ترامپ راست بود، از این دلارها حداقل اندکی باید مانده باشد تا به فریاد وزیر بهداشت برسد و یک میلیارد دلار از آن ۱۵۰ میلیارد دلار به بخش درمان کشور کمک شود و امروز در بزرگترین چالش قرن که همان شیوع بیماری کرونا است رتبه دوم فوتی کرونا در دنیا متعلق به ما نباشد.

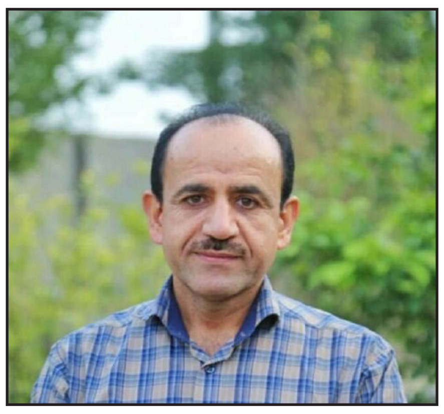
من مانده ام اگر آن همه میلیارد دلار راست بود وما در ۴ سال گذشته کشور ثروتمندی بودیم چرا آن زمان نیز به اصطلاح عامیانه " بار من بارم بود". آن زمان هم من کارگر فقیری بودم که روزم به سختی شب می شد و در پی لقمه نانی به هر دری می زدم و بیکاری بیداد می کرد. نارضایتی و بی اعتمادی با ۱۵۰ میلیارد دلار همان قدرجدی بود که اکنون با بی دلاری شاهد هستیم.

مگر در این مملکت چقدر باید بی برنامگی، دزدی و فساد باشد که اکنون بخشی از آن ۱۵۰ میلیارد دلار برای اداره کشور در دست نباشد؟

می توان چندین کشور توسعه یافته را نام برد که روی هم مجموعه دارایی های آنها با رشد شاخص های رفاه و خوشبختی که در جامعه دارند در یک سال به ۱۵۰ میلیارد دلار نمی رسد؛ پس چگونه است این دلارها بهبود مشهودی در وضعیت رفاه و زندگی طبقات متوسط وپایین جامعه ایران ایجاد نکرد. بسیاری در جامعه امروز ایران این عبارت را مدام تکرار می کنند" برای ما چه فرقی می کند کشورثروتمند باشد یا فقیر. یک روحانی رئیس جمهور ما باشد یا غیر روحانی، کشور درجنگ و تحریم باشد و یا در صلح ... و باورهایی از این دست.اکنون این نوع باور وتفکراز لایه های پنهان جامعه به لایه های آشکار آن رسیده است و یکی از خطرناک ترین باورهایی است که سیستم باید آن را جدی بگیرد.

ثروت حکومت موجب فضیلت و رفاه جامعه می شود اما اگر ثروت در یک سیستم مایه خیر و رفاه مردمانش نباشد، به قول "مونتسکیو""شر می شود و انسان باید به خاطر آن پوزش بخواهد."

یکی دیگر از مدافعان سلامت بوشهر آسمانی شد



شهید "محمدرضا رزمی" پرستار با سابقه بیمارستان سلمان فارسی تامین اجتماعی بوشهر بر اثر ابتلا به کرونا آسمانی شد. به گزارش ایرنا، رزمی دومین شهید در بخش درمان تامین اجتماعی استان بوشهر و هشتمین شهید مدافع سلامت این استان است.

از زمان شیوع ویروس کرونا تاکنون پنج پزشک و ۲ پرستار و یک بهیار از استان بوشهر در حین ارائه خدمت به بیماران کرونایی، به این بیماری مبتلا شده و به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند.

پیش از این شهیدان پزشک فخری متخصص بیهوشی، خضر خلیلی پزشک عمومی، مهدی سروستانی متخصص مغز و اعصاب، نادر حیدریانی داروساز و همایون فیوض پزشک عمومی، زهرا عبداللهی کارشناس بهیاری و زهرا رگبار به عنوان پرستار از اهالی استان بوشهر در راه مبارزه با بیماری کرونا جان خود را از دست داده بودند.

خارگ؛ جزیره ی رازها؛ سازها و آوازها...

نشست هم اندیشی رییس انجمن موسیقی استان بوشهر با اهالی و فعالان موسیقی جزیره ی خارگ



در ادامه ی برنامه ی دیدار و سلسله نشست های رییس انجمن موسیقی استان بوشهر با هنرمندان و فعالان هنر موسیقی در استان و هم اندیشی با اهالی موسیقی در شهرستان های استان بوشهر و همچنین به منظور بررسی وضعیت هنر موسیقی و دیدار با هنرمندان و فعالان عرصه ی موسیقی در جزیره ی خارگ، نشستی با حضور حماسه ی حق پرست، رییس انجمن موسیقی استان بوشهر و هنرمندان و فعالان موسیقی بعد از ظهر پنج شنبه یکم آبان ماه ۹۹ در محل سالن جلسات شهرداری جزیره ی خارگ و با پیگیری موسسه فرهنگی هنری آوای هنر جنوب با مدیریت برادران خواجه، برگزار شد.

در این جلسه حق پرست ضمن ابراز خرسندی از حضور در جزیره ی همواره گرانقدر و مغتنم خارگ و دیدار با هنرمندان ارجمند و فعالان و کوشندگان هنر موسیقی در جزیره، ضمن اشاره به توانمندی های بالقوه ی فرهنگی تاریخی و هنری جزیره در طی تمام سالیان، گفت: فراموش نکنیم که خارگ همان قدر و همان گونه که بزرگترین جزیره نفتی و پایانه ی صادرات این محصول است؛ جزیره ی رازها و سازها و آوازها هم هست... جغرافیایی برآمده از دل آب ها و امواج که فرهنگ موسیقایی منحصر بفردی را با تمام مشخصات مردم شناسی و اجتماعی خود را داراست.

اجرای بکرترین موسیقی آیینی و باورمند موسیقی درمانی که در این جزیره برگزار و اجرا می شود، نشان از یک فرهنگ غنی و تاریخی در این جغرافیاست...

حماسه ی حق پرست همچنین ضمن بیان نقاط قوت موسیقی و سپاسگزاری از زحمات و کوشش تحسین برانگیز هنرمندان موسیقی خارگ با وجود همه ی کاستی ها و کمبودها و مشکلات چشمگیر پیش رو و فرا راه هنرمندان و فعالان موسیقی در خصوص رشد و توسعه ی هنر موسیقی در جزیره، تلاش در جهت ساماندهی وضعیت ساختاری و زیربنایی نمایندگی انجمن موسیقی استان بوشهر در خارگ را یکی از عوامل مهم در جهت نیل به اهداف آموزشی و ترویج موسیقی در سطح جزیره برشمرد که می تواند امور مربوطه را مجدانه پیگیری و مطالبه نماید.

حق پرست در ادامه افزود: قطعا جزیره ی خارگ نیز همچون سایر جزایر جنوبی کشور و استان های مجاور می تواند به سهم و قدر خود و با توجه به جغرافیا و زیست بوم منحصر بفرد خارگ می تواند یکی از مراکز مهم در برگزاری جشنواره و فستیوال های موسیقی باشد که این خود عاملی است جهت توسعه و بالندگی هنر موسیقی در جزیره.

تاسیس و راه اندازی آموزشگاه موسیقی در خارگ از مواردی بود که رییس انجمن موسیقی بوشهر، آن را بسیار مهم در تمرکز و ساماندهی ترویج آموزش موسیقی در خارگ، عنوان کرد.

در ادامه ی این نشست هنرمندان و فعالان موسیقی در جزیره ی خارگ هم به بیان دیدگاه ها، مشکلات و معضلات و همچنین انتظارات و پیشنهادات خود پرداختند.

مرد شریف و مهربان شاهین آسمانی شد



پیشکسوت عرصه مدیریت باشگاه شاهین به رحمت ایزدی پیوست.

زنده یاد اکبر کللی که از اواخر دهه پنجاه فعالیت خود را در باشگاه شاهین بوشهر با سمت های مختلف از جمله معاون باشگاه، مسئول امور مالی، سرپرست، عضو هیات مدیره، قائم مقام باشگاه و ... آغاز و ادامه داد و در سال ۱۳۸۵ به کار اداری خود در باشگاه پایان داد اما به عنوان یک پیشکسوت و هوادار هیچ گاه از کنار تیم محبوبش و هواداران صدیق شاهین دور نبود.

زنده یاد کللی در کنار رفیق فابریک هایش حسن کعبی، حاج احمد گزی، حاج رضا عبداله زاده، ناصر رفیعی، خسرو باباچاهی، رضا غنی زاده، عزیز نیک زات، رحیم وفایی، محمدرضا محمدی، جلال غریب زاده احمد رزمی، زنده یادان عباس سالار پور، هوشنگ ثابت، احمد تورانی، غلامرضا بوالخیری و .... و سرباز مخلص زنده یادان زنگویی و پوربهی و افشار حدود ۳ دهه وجود و زندگیش بی منت وقف تداوم نام بزرگ شاهین کرد و در گفته هایش هواداران شاهین را نگین های بی جانشین باشگاه شاهین معرفی می کرد.

در ضمن ایشان بیش از ۴۰ سال نیز به عنوان رییس ، معاون و کارمند در بانک‌های صادرات و ایران زمین بوشهر خدمت کرد.

این مرد متعصب، مهربان و همیشه خندان شاهین را به معنای واقعی کلمه و یک مکتب بزرگ دوست داشت و حاضر نبود با سنگین ترین شکست ها نیز از تیم محبوبش رو برگرداند و این مهم را به نزدیکان و دوستانش بخوبی آموزش داده بود.

عرض تسلیت، روحش شاد و یادش گرامی
روابط عمومی باشگاه شاهین شهرداری بوشهر

کو اکبرم

قاسم محمدی : وقتی که خبر کوچ او و آسمانی شدنش شنیدم، بد طوری مشیمور شدم و در خود فرو رفتم و گذری به گذشته و یاد و خاطره های با او بودن را هی مرور و مرور و حسرت آن همه روزهای خوشی که چه زود گذشت.

او از ده پایین می آمد و ما هم از ده کناری آنها. هردو در یک مدرسه ،دبستان پهلوی، همین که امروز خرابه ای است و همه ی آن خاطره ها و هیاهوها و قبل و قال کودکانه مان در زیر آوارهای خود له کرده ، می آمدیم.

آروم بود و مودب و بی حاشیه و مهربان و چابک و کوشا در تحصیل.

مدرسه را تمام کرده بودیم و هرکدام برای گذر روزگار بد گذر در جایی نون‌خور دولت ...

بعد از سالها ندیدن هم سعادت رخ داد تا ما رخ هم ببینیم و مسرور از آن دیدن اتفاقی.

در بانک بود و تسهیلات بانکی ام برای کار تولید کاشی هفت رنگ در پستوی هفت خان به گیر بود .

محبت و کردو گره گشود .

همین دوسال قبل بود هیت امنای مسجد لیل بود. گفته بودند که من در هنر کاشی کاری مساجد، غلطی می کنم و جسارتی، از جمله مسجد امام حسن ریشهر.

پا در یک کفش کرده بود و گفته بود، الا و بالله کار کاشی مسجد را باید همشهری خودمان انجام دهد، شل خمون،گور خومون.

داخل مسجد را شیرازی ها کار کرده بودند با هزار ایراد فنی که به یاری اش رسیدم و بیرون را به من داد،تا بماند یادگاری از او ومن.

چند صبایی که در کنار او و با او بودم. در متانت وصداقت و پاکی و پاکدستی و نو نگاهی او خود را کوچک و حقیر دیدم.

حیف و صد حیف که اکبر رفت تا بمانم من و این زندگی بی نقش ونگار.

ای داد و بیداد که یاران همه رفتند !

رضا سیاهوشی

به راستی امروز را برای بیان احساس به عزیزت غنیمت شمار، شاید فردا احساسی باشد، اما عزیزی نباشد.

اکبرخان؛ اسوه اخلاق، ادب و معرفت که بسیار متین، آرام، مهربان و خوشرو بود و همیشه با تبسمی که بر لب داشت هیچ وقت دل کسی را نرنجاند و با دل رئوف و قلب مهربانش سعی می کرد همه را به هم نزدیک و صمیمی نماید.

زنده یاد کللی، حق بسیار زیادی در گردن باشگاه شاهین و شاهینی ها داشت و بازیکنان پیشکسوت هرگز زحمات، تلاش، دلسوزی، عشق و تعصب او را فراموش نخواهند نمود.

لعنت بر کرونا که جان بسیاری از عزیزان را گرفت و همچنان بیرحمانه پیش می رود و همه را به نوعی گرفتار و داغ دار می کند!

روحش شاد و یادش گرامی

*

خداکرم سالمی؛ رئیس و موسس باشگاه جم، هوادار قدیمی و عضو سابق هیات مدیره شاهین بوشهر، رئیس شعبه سازش و بازرس شوراهای حل اختلاف بوشهر و رئیس سابق کمیته انضباطی هیات فوتبال استان بوشهر هم به علت این کرونای لعنتی دست ساز آسمانی شد.

انسانی که همه عمرش با سلامت زندگی کرد، بسیار باشخصیت، مودب، جنتلمن و فرهیخته بود.

نازنین مرد محله بن مانع بوشهر که همیشه شیک پوش، مرتب و ژست خاصی داشت.

علیرضاخان برزگر از هواداران شاهین نقل می کند که:«وقتی استفاده از نام شاهین در سال ۴۶ در سراسر ایران ممنوع شد. او چون علاقه و تعصب زیادی به شاهین داشت، با دعوت از جوانان محله بن مانع تیمی ساخت و نام شاهین روی آن تیم گذاشت تا اینکه مسئولان وقت متوجه شدند و او را توبیخ کرده و نام جم جایگزین شاهین شد و در ادامه نیز سالها تیم " جم بن مانع " را مدیریت و حمایت کرد».



جناب پرویز خان همتی دیگر پیشکسوت شاهین هم می گوید: « زنده یاد سالمی از هوادارانی متعصبی بود که برای تماشای تمرین تیم شاهین با دوچرخه ۲۸ و معروف آن زمان ، از محله بن مانع می آمد، زمین بهمنی پشت حمام ساختمان ملک (استخر کوثر) و قبل از آن هم زمینی پشت گردان نیروی دریایی بود که حداقل هفته ای یک بار هم آنجا می آمد.

وی میگوید :«این گوهران ، شناسنامه باشگاه شاهین بودند».

نامگذاری خیابانی به نام زنده یاد نامجو زحمت کش فعال رسانه ای

سخنگوی شورای اسلامی شهر بردخون گفت: براساس مصوبه شورای اسلامی این شهر و به پاس ارج گذاشتن به زحمات ارزنده زنده یاد نامجو زحمتکش در انعکاس اخبار مسائل و مشکلات بخش و شهر بردخون، در جلسه ی امروز ۲۹ مهرماه ۹۹ شورای شهر بردخون خیابان جنوب آموزش وپرورش و منتهی به فلکه شهید نجات اللهی به نام آن مرحوم نامگذاری می شود.



مرحوم نامجو زحمتکش خبرنگار پیشکسوت خبرگزاری صدا و سیمای مرکز بوشهر در بردخون پنجشنبه گذشته در حادثه رانندگی جان باخت.